

Lyrical Motifs in Revolutionary Poet

Hamze Mohamadi¹, Shima Karbasi²

بررسی بُن‌مایه‌های غنایی در شعر انقلاب

اسلامی

حمزه محمدی ده‌چشمه^۱، شیما کرباسی^۲

چکیده

Abstract

The poetry of the Islamic Revolution has both an epic theme, a mystical, a romantic, a religious, a social and a political one; it is better to say that there are no divine, humane and universal themes that the poets of the revolution have not addressed. Romantic poetry is one of the branches of revolutionary poetry that has a remarkable presence in the poetry of this period. The romantic lyrical songs of the revolution, which are sung in all forms, especially the sonnets, are mainly of poetic dignity and decency, which in this respect are distinct from the pre-revolutionary lyrical poems. Since love and the expression of pure emotions and emotions in the form of the most beautiful descriptive sentences in the literature of the revolution is a part of the themes which we consider to be rich literature, In the present study, we have examined the richness of post-revolutionary literature by using descriptive and content analysis methods. Considering the morale of the people as well as the poets of the poets at this time, it can be said that rich literature, besides the mystical and epic themes, has a considerable part of the literature of this period.

Keywords: Revolution Poetry, Themes, Lyrical Literature, Romantic Mourning.

شعر انقلاب هم درون‌مایه حماسی دارد هم عارفانه، هم عاشقانه، هم مذهبی و هم اجتماعی و سیاسی؛ بهتر است بگوییم هیچ موضوع و مضمون الهی، انسانی و جهانی نیست که شاعران انقلاب بدان نپرداخته باشند. شعر عاشقانه یکی از شاخه‌های شعر انقلاب است که در شعر شاعران این دوره نمود چشمگیری دارد. سروده‌های تغزلی عاشقانه انقلاب که در همه قالب‌ها به ویژه غزل سروده شده‌اند، عمدتاً از وقار و نجابت و ادب شاعرانه‌ای برخوردارند که از این منظر با سروده‌های تغزلی عاشقانه پیش از انقلاب تفاوت بارز و محسوس دارند. از آن‌جا که عشق و بیان احساسات ناب و عواطف در قالب زیباترین جملات توصیفی در ادبیات انقلاب نقش بسته و جزو مضامینی است که ما آن را در شمار ادبیات غنایی می‌دانیم، در پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی و تحلیل محتوا جنبه‌های غنایی ادبیات بعد از انقلاب مورد بررسی قرار گرفته است. با توجه به روحیات مردم و همچنین اشعار شاعران در این زمان می‌توان گفت ادب غنایی علاوه بر مضامین عرفانی و حماسی، بخش قابل توجهی از ادبیات این دوره را به خود اختصاص داده است.

کلیدواژه‌ها: شعر انقلاب، درون‌مایه، ادبیات غنایی، سوگواری‌های عاشقانه.

۱. Ph.D Student of Persian Language and Literature at Azad University of kashan.
2. Ph.D of Persian Language and Literature at Azad University of Najaf Abad.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه کاشان، ایران.
Hamzehm661@gmail.com (نویسنده مسئول)
۲. دانش‌آموخته دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی
shimakarbasi@yahoo.com واحد نجف‌آباد.

مقدمه

شعر انقلاب از هر سو در جهت اهداف ارزشمند و بیان عواطف و اندیشه‌های ملّتی است که شاعر از میان آن برخاسته، درد آنان را حس کرده و برای آنان شعر می‌گوید. عنصر احساس و عاطفه در شعر انقلاب سطحی نیست؛ بلکه ریشه در دردها و آرزوهای والای یک ملّت دارد. شعر انقلاب صحنه عظیم جهاد و سیاست و جهان‌نگری است و از آنجا که بهترین صرّاف شعر، روزگار است نباید فراموش کرد که انقلاب و هشت سال دفاع مقدّس در برابر یورش دشمن، حادثه‌های بزرگی بود که در جامعه ما تأثیر بسزایی گذاشت و همراه خود فرهنگ و ادبیات تازه‌ای پدید آورده است. ادبیات این دوره، زبان حال مردم جامعه است که احساسات، شورآفرینی‌ها و عشق و ایثار - که البته با آرمان‌گرایی و جان‌بازی همراه است - را به تصویر درآورده است.

هرچند انقلاب وجوه مشترک زیادی با حادثه‌های مشابه خود چون انقلاب مشروطیت دارد، اما دارای ابعادی متفاوت است. هشت سال دفاع مقدّس ملّت ایران، جریان نیرومند فرهنگی در حوزه ادبیات به‌وجود آورد و به‌دلیل اینکه شعر جنگ و انقلاب پاره‌ای از پیکره ادبی جامعه ماست «فضای اندیشه، زبان، تخیل، شکل و عواطفی که در این دوره با حال و هوایی خاص، در شعر موج می‌زند، متأثر از جامعه - ای است که در یک دگردیسی فرهنگی و بازگشت به فرهنگ اعتقادی ریشه‌دار خویش به آفرینش شعری دیگرگونه دست زده است» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۱۱۲). بن‌مایه غنایی ادبیات بعد از انقلاب به‌دلیل شرایط موجود در جامعه بیانگر غم‌ها و شادی‌ها و شور عشق به وطن در زمان خود است. و از آنجا که

ادبیات غنایی از دیرباز به بیان احساسات و عواطف انسان پرداخته، می‌توان گفت که بخشی از ادبیات بعد از انقلاب را به خود اختصاص داده است. ملّتی که ارزش‌های خویش را حفظ نکند، محکوم به تلاش دوچندان در فردایی است که به‌دلیل فاصله گرفتن از گذشته ممکن است بخشی از منابع خود را از دست بدهد. پرداختن به ادبیات جنگ پاس داشتن فرصت‌ها و غنیمت دانستن لحظه‌های گرانبغی است که در آن زندگی می‌کنیم. بر همین اساس، این پژوهش می‌کوشد تا جنبه‌های غنایی ادبیات بعد از انقلاب را در شعر شاعران مطرح این دوره بررسی و بن‌مایه‌های شعری این دوره و نیز ویژگی‌های ساختاری و درونی آنها را بیان نماید.

پرسش پژوهش

- جنبه‌های برجسته غنایی در شعر انقلاب اسلامی کدام‌اند؟

پیشینه پژوهش

درباره ادبیات انقلاب اسلامی و به‌ویژه شعر انقلاب آثار متعدّد و درخور توجهی تألیف شده که هر کدام از آنها جنبه‌ای از ویژگی‌های ادبیات انقلاب را مورد هم‌پوشانی قرار می‌دهند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: مقاله «برجستگی‌های زبانی و زیبایی‌شناسی شعر انقلاب اسلامی» که در بهار ۱۳۹۸ در شماره ۲۶ مجله فنون ادبی به چاپ رسیده و نویسندگان در این مقاله ساختار زبانی شعر انقلاب اسلامی و چگونگی پیوند قالب‌های شعری با موضوع انقلاب اسلامی را بررسی کرده‌اند. «ادبیات انقلاب اسلامی و رساله‌های دانشگاهی» مقاله دیگری است که غلامعلی حداد عادل

نبوی، شعر علوی، شعر فاطمی، شعر عاشورایی، شعر رضوی، شعر انتظار و شعر هیئت تقسیم می‌کنند. (سنگری، ۱۳۸۲: ۱۰۶)

۲. شعر دفاع مقدّس که به مسائل هشت‌سال پایداری و دفاع در مقابل تجاوز ارتش عراق و وابستگان به ایران (۱۳۵۹-۱۳۶۷) و پیامدهای آن می‌پردازد. درون‌مایه شعر دفاع مقدّس را مسائلی چون شهادت و شهید، ایثار و فداکاری، ستایش و توصیف رزمندگان، جانبازان، آزادگان، مردم مقاوم صبور، پیامدهای جنگ مانند سوگ و اندوه و مظلومیت و اسارت و آوارگی تشکیل دهد. در سال‌های پایانی دفاع مقدّس و پس از آن تاکنون، دلوپسی فراموش‌شدگان یادگاران و دستاوردهای شهیدان و رزمندگان و ناچیزانگاری خود در مقابل ایمان و ایثار رزمندگان و مردم و مرور زخم‌ها و جراحت‌های جنگ (به ویژه قربانیان جنگ شیمیایی و درد و اندوه خانواده‌های شهید، آزاده، جانباز و رزمنده) مضامین و درون‌مایه اصلی سروده‌های دفاع مقدّس به‌شمار می‌آید. شعر ضدّ جنگ، عنوان و نام سروده‌هایی است که بعد تلخ و تاریک جنگ با ستایش صلح و سلم را محور را سرودن قرار می‌دهد. تاکنون ده‌ها مجموعه شعر مستقل درباره دفاع مقدّس به چاپ رسیده است. (اکبری، ۱۳۷۷: ۸۳)

۳. شعر عارفانه و عاشقانه یکی دیگر از شاخه‌های شعر انقلاب است. شعر عارفانه به سبب پیوند عمیق انقلاب اسلامی با آموزه‌های عرفانی و به‌ویژه منش و بینش و اشعار عارفانه بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، رشد چشمگیری یافته است. البته عرفان و شعر عرفانی انقلاب، بافت و نگاهی مُلهم از مجاهدت و مبارزه و فرهنگ جبهه و جنگ یافته است که آن را

در آن به ضرورت استفاده از موضوعات ادبیات انقلاب اسلامی در پایان‌نامه‌های دانشگاهی اشاره کرده است. مقاله‌ای با عنوان «حماسه در بزم غزل، بحثی پیرامون غزل - حماسه در ادب انقلاب و دفاع مقدّس» از محمود براتی و مریم نافلی، نشریه ادبیات پایداری، پاییز ۱۳۸۸، شماره اول به بررسی غزل حماسی با تکیه بر اشعار فرید پرداخته است. بر این اساس، طبق بررسی‌های به‌عمل آمده تاکنون بن‌مایه‌های غنایی در ادبیات انقلاب اسلامی مورد بررسی قرار نگرفته و انجام پژوهش‌هایی از این دست می‌تواند ابعاد تازه‌ای از ادبیات و به‌ویژه شعر انقلاب را نمایان سازد.

بحث

تقسیم‌بندی شاخه‌های شعر انقلاب

از نظرگاه قالب و شکل نه تنها قالب‌های کلاسیک و سنتی و قالب‌های نو (نیمایی و سپید) به وفور در تمام دوره‌های حیات انقلاب به‌کار گرفته شده‌اند، که نوآوری‌هایی نیز در فرم و شکل نیز صورت پذیرفته است. همان‌گونه که در حوزه معنا نیز نگاه تازه و مضامین تازه را در شعر انقلاب می‌توان جست‌وجو کرد. حوزه‌های شعر انقلاب اسلامی را به لحاظ محتوا و درون‌مایه و به اعتبار رشد کمی و کیفی به حوزه‌های زیر می‌توان تقسیم کرد:

۱. حوزه شعر دینی و آیینی که شامل سور سروده‌ها (مولودیه و مناسبت‌های سرورانگیز)، سوگ سروده‌ها (مراثی)، نیایش‌ها و مناجات‌ها (تحمیدیه و توحیدیه) و اشعار تعلیمی و حکمی است. این سروده‌ها در همه قالب‌های کهن و نو سروده شده‌اند. در این حوزه رشد چشمگیری را در این سال‌ها شاهد هستیم. شعر دینی و آیینی را به شاخه‌هایی چون شعر

صرب‌ها، قتل‌عام مردم افغانستان و عراق توسط سربازان آمریکایی و بیداری اسلامی در مناطقی چون بحرین، مصر، یمن، تونس، مصر و حرکت‌های ضد سرمایه‌داری در آمریکا و غرب، شاعران انقلاب اسلامی را برانگیخته تا در این زمینه‌ها به سرودن بپردازند. پیام‌های جهانی مانند عدالت، صلح، کرامت انسانی و آزادی نیز مقوله‌های شعر جهانی هستند که در شعر شاعران انقلاب حضور چشمگیر داشته و دارند.

۶. شعر حکمی - فلسفی، تعلیمی - آموزشی از گونه‌های دیگر انقلاب اسلامی است. این سروده‌ها در پی تربیت و رشد معنوی و روحی جامعه‌اند. در عصر انقلاب، هر چه به دهه‌های دوم و سوم نزدیک‌تر می‌شویم، این گونه‌های شعری رنگ و فروغ بیشتر می‌یابند و نه تنها شاعران نسل پیشین و شاعران نسل اول، که شاعران جوان به سرودن آنها اقبال و علاقه نشان می‌دهند. نمود شعر حکمی-تعلیمی در شعر شاعران حوزوی، محسوس‌تر است. (سنگری، ۱۳۸۰: ۶۹)

۷. شعر طنز، از شاخه‌های فعال شعر انقلاب است. طنزگویی و طنزسرایی هر چند در همه گونه‌های پیش‌گفته مشاهده می‌شود، اما شعر مستقل طنز، حتی دفترهای مستقل طنز شعری، هر چند پیش‌تر می‌رویم، فراوان‌تر می‌شوند. طنز کیومرث صابری (گل‌آقا) که از روزنامه اطلاعات با عنوان «دو کلمه حرف حساب» آغاز و سپس به مجله گل‌آقا رسید و طیفی از شاعران و نویسندگان را برانگیخت تا طنزی موقر و فاخر را رقم بزنند، از درخشان‌ترین جریان‌های طنز انقلاب اسلامی محسوب می‌شود. طنز

با شعر عرفانی گذشته، اندکی متفاوت ساخته است. در کنار سروده‌های عارفانه، سروده‌های عاطفی و عاشقانه و سروده‌های عارفانه - عاشقانه فراوان است. سروده‌های تغزلی عاشقانه انقلاب که در همه قالب‌ها به‌ویژه غزل سروده شده‌اند، عمدتاً از وقار و نجابت و ادب شاعرانه‌ای برخوردارند که از این منظر با سروده‌های تغزلی عاشقانه پیش از انقلاب تفاوت بارز و محسوس دارند.

۴. شعر اجتماعی حوزه دیگر شعر انقلاب اسلامی است. شعر اجتماعی به نیازها، هنجارها و ناهنجارها، بایدها و نبایدها، ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، پدیده‌ها و نهادهای جامعه، به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم می‌پردازد. این نوع شعر به گونه‌های مدیحه اجتماعی، نقد اجتماعی، طنز اجتماعی و سوگ اجتماعی دیده می‌شود. شعر اجتماعی انقلاب اسلامی در دوره هشت سال دفاع مقدس، ستایشگر مردم و حضور مردم در جبهه و منتقد عناصر بی‌تفاوت و رفاه‌زده بود. در سال‌های پس از دفاع مقدس، «نقد خودی»، نقد عناصر حکومتی و نقد ناهنجاری‌های اجتماعی در شعر، رشد کمی و کیفی یافته است. (سنگری، ۱۳۸۲: ۷۹)

۵. شعر جهانی انقلاب اسلامی، یکی از شاخه‌های بارور شعر امروز است. شاعران انقلاب، فراتر از دغدغه‌های وطنی و درونی، نسبت به رخدادها، دردمندی‌ها و مشکلات دیگر ملت‌ها، همدردی و همراهی نشان داده‌اند. همدردی و همراهی با مردم فلسطین و تخطئه و محکومیت غاصبان قدس، سروده‌های فراوان و حتی مجموعه شعرهای مستقلی را سبب شده است. رویدادهای جهانی مانند قتل‌عام مردم بوسنی و هرزگوین توسط

جریان‌های ادبی، تحوّل‌های اجتماعی را در پی داشته‌اند. نکته‌ای که بیشتر پذیرفتنی است، این است که پدیده‌های اجتماعی و تحولات سیاسی، سازنده جریان‌های ادبی هستند یا شاید بتوان گفت که پدیده‌های اجتماعی همیشه یک جریان ادبی تازه را در پی دارند که مضمون این تحوّل سیاسی یا اجتماعی را در خود بیان می‌کند و در حقیقت هر انقلاب با توجّه به موضوعات خود دربردارنده یک تجربه ادبی جدید است و شعارهای مردم نمونه‌ای از آن است. انقلاب به‌عنوان واقعه‌ای بزرگ که سرنوشت ملت ایران را در برهه‌ای درخشان و تاریخی رقم زده، نمی‌تواند از این قاعده مستثنی باشد؛ یعنی حادثه‌های انقلاب، برای مثال (جنگ تحمیلی، شهادت جوانان و ...) همه به دنیای شعر راه یافته و شعر انقلاب را شعری پویا و متحرک کرده است. براساس این باور که انقلاب به‌عنوان یک پدیده اجتماعی، یک جریان ادبی خاص را در پی داشت، در ذیل به بررسی جریان ادبی و پدیده اجتماعی انقلاب می‌پردازیم تا تفاوت شعر این مقطع از نظر ظاهری با دهه‌های قبل به‌خوبی نشان داده شود. از نظر ویژگی‌های زبانی و ساختاری در شعر انقلاب این طراوت و تازگی زبان را در حالی مشاهده می‌کنیم که قالب، همان قالب کهن است و این وجه بارز شعر پس از انقلاب است. مانند سروده نصرالله مردانی:

رقص گل دوش چنان برد ز سر هوش نسیم
 که دریده است در این معرکه تن پوش نسیم
 به زیارتگه خاک آمده زوار بهار
 تنگه دهکده آکنده ز چاووش نسیم
 خفته در درّه انبوه علف سایه کوه
 می‌چرد آهوی مهتاب در آغوش نسیم
 (مردانی، ۱۳۶۴: ۳۰)

انقلاب همان‌گونه که پیش‌تر آمد، به رغم نقد بی‌پروا و جسورانه، نجیب و موقّر و مؤدّبانه است.

۸. شعر کودک و نوجوان انقلاب از شاخه‌های بارور شعر انقلاب است. رشد کمی و کیفی، چاپ صدها مجموعه شعر ویژه کودکان و نوجوانان، ارتقا و بهبود کیفیت کتاب‌های کودکان به اعتبار صوری و محتوایی، فصل درخشانی را در این حوزه رقم زده است. در کنار فعالیت شاعران کودک و نوجوان، چاپ کتاب‌های شعری که خود کودکان و نوجوانان سروده‌اند، از ابعاد دیگر رشد این گونه شعری است. این شاخه شعر انقلاب نیازمند اعتنا و توجّه بیشتر است تا مفاهیم و ارزش‌های انقلاب اسلامی به نسل کودک و نوجوان منتقل شود. توجّه به شعر کودک که متضمّن مفاهیم حکمت اسلامی و حکمت سیاسی باشد، یکی از کارهای لازم است و امروزه اندکی جایش خالی است. شعر کودک و کتاب کودک و نوجوان از جمله بخش‌های مهمی است که امروزه مورد توجّه است.

جلوه‌های ادب غنایی در شعر انقلاب

شعر انقلاب، شعری مردمی به‌معنای واقعی آن است. شاعر این شعر همدوش، هم‌سنگر، هم‌دل و هم‌زبان مردم است و چون از بطن جامعه باخبر است، از درد مردم رنج می‌برد و از شادی آنان شاد می‌شود. با پیروزی‌شان سرافراز و با شکستشان سرافکنده می‌شود. شعر انقلاب، تاریخ منظوم انقلاب نیز هست. تحولات اجتماعی و جریان ادبی بعد از انقلاب به گونه‌ای برابر بر یگدیگر تأثیر گذاشته و از هم تأثیر گرفته‌اند. یک نظر افراطی در باب جریان‌های ادبی معتقد است که

غزل بعد از پایان جنگ در میان بسیاری از شاعران رواج داشت و با مضامینی از قبیل شرم از شهیدان، آرزوی پرواز و رهایی، انتظار فرج، وعده فردایی بهتر، دعوت به مقاومت، مبارزه با اشرافیت و ... سروده شد. قالب مثنوی نیز که در دهه‌های بلافصل قبل از انقلاب تقریباً رو به فراموشی می‌رفت و اهل ادب نیز کمتر می‌اندیشند که بتوان بار دیگر مثنوی را بازدید، در دوره بعد از انقلاب رشد چشمگیری داشت. بی‌شک مثنوی‌های «علی معلم» در تاریخ مثنوی‌سرایی نقطه عطفی بود. البته سعی دیگرانی همچون «حمید سبزواری» و «احمد عزیزی» در این راه ستودنی است. مثنوی‌سرایی موفق دیگر در عصر انقلاب «سیدحسن حسینی» است. او در مجموعه «هم‌صدا با حلق اسماعیل» دو مثنوی با نام‌های «مثنوی شهیدان» و «مثنوی عاشقان» دارد.

بیا عاشقی را رعایت کنیم
 ز یاران عاشق حکایت کنیم
 از آن‌ها که خونین سفر کرده‌اند
 سفر بر مدار خطر کرده‌اند

(حسینی، ۱۳۷۲: ۶۵)

قالب رباعی به‌عنوان ایجاز در کلام، قالب خوبی برای بیان احساس‌های غلیانی انقلاب و پس از آن حماسه دفاع و خاطره خون‌بار شهیدان بود. به همین دلیل، رباعی در شعر پس از جنگ خصوصاً در دهه شصت، رونق چشمگیری یافت. مجموعه فراموش‌آمده «رباعی امروز» گواه خوبی بر تجربه‌های موفق شاعران انقلاب در این قالب ادبی است. درون‌مایه‌های اشعاری که در قالب رباعی و دوبیتی در عصر انقلاب سروده شده‌اند، بسیار متنوع هستند. چنان‌که از تشویق رزمندگان و امت مسلمان به ادامه پیکار گرفته و

غزل، قالبی است که در این دوره مورد توجه قرار گرفت و بستری برای بیان زیباترین احساسات زمان خود شد. همه کسانی که در شعر انقلاب شهرتی داشتند، توجهی به این قالب داشته و چند غزل در کارنامه خویش دارند. مبدأ اصلی آغاز غزل عصر انقلاب، بهمن ماه ۱۳۵۷ هـ.ش، با غزل «شب انقلاب» از «بهمن صالحی» است.

«نصرالله مردانی» از شاعرانی بود که در محدوده زمانی پیروزی انقلاب تا آغاز جنگ، غزل‌پردازی را شبیه نموده بود. او با غزل «سیاوش نسیم» استعداد زبانی والای خود را نشان داد. «هوشنگ ابتهاج» (ه.ا. سایه) که از جمله شاعران نسل پیشین است در هم‌نوایی و هم‌گامی با حرکت سرنوشت‌ساز امت، غزلی با مطلع زیر سرود:

زمانه قرعه نو می‌زند به نام شما
 خوشا شما که جهان می‌رود به کام شما

(ابتهاج، ۱۳۷۱: ۹)

تأثیر مسائل مربوط به جنگ در شکل‌گیری غزل این عصر انکارناپذیر است. حماسه‌آفرینی‌های دلیرانه رزمندگان و شهیدان باعث شد تا شاعران، عرصه‌های تازه‌ای را در غزل کشف کنند. در واقع، دهه شصت، دهه ظهور حماسه و مرثیه و سوگواری‌های عاشقانه در قالب غزل است و همچنین توسعه مفهوم و محتوا در این قالب. «غزل در دوره انقلاب با غزل مشروطه تفاوت‌های اساسی دارد. غزل مشروطه فاقد تخیل و تصویرسازی بدیع است و رفتارهای زبانی و تصویر به‌ندرت هنرمندانه و زیباست، اما غزل‌های انقلاب با استفاده از تجربه حدود یک قرن تحول در ساخت شعر مدرن، قابل اعتناست». (کاکایی، ۱۳۷۶: ۶-۵)

...» (شفیعی کدکنی، ۱۳۸۰: ۶۲) در عصر انقلاب، شعر با بهره‌گیری کم‌رنگ‌تر از اصطلاحات رایج عرفان سنتی، دوباره شاعران را درمی‌یابد. به علاوه، در دوران اوج‌گیری مبارزه، عشق همواره با شهادت، خون، ایثار، وصال محبوب و ... همراه است. این نوع سروده‌ها با عاشقانه‌ترین و برجسته‌ترین ماجرای تاریخ اسلام؛ یعنی عاشورای حسینی، پیوند می‌یابد و سروده‌های زیر نشانگر احیای عشق آسمانی در شعر این دوره است:

دستی ز کرم به شانه‌ی ما نزدی

بالی به هوای دانه‌ی ما نزدی

دیری است دلم چشم به راهت دارد

ای عشق سری به خانه‌ی ما نزدی

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۳۸)

«درختان را دوست می‌دارم که به احترام تو قیام کرده-
اند

و آب را که مهر مادر توست.

خون تو شرف را سرخ‌گون کرده است؛

شفق، آینه‌دار نجابت

و فلق، محرابی که تو در آن نماز صبح شهادت

گزارده‌ای». (گرمارودی، ۱۳۶۲: ۱۳۹)

عشق که از مضمون‌های اصلی در ادبیات غنایی

است، در این زمان رویکردی نو پیدا کرده است و

آرزوی فرج حضرت قائم (عج) و ذکر ایثار و فداکاری ائمه و بسیاری موضوع‌های خاص و مربوط به مقاطع گوناگون انقلاب را در برمی‌گیرد.

چهارپاره را می‌توان حدّ فاصل قالب‌های کلاسیک و نو به‌شمار آورد. در شعر دهه‌های پیشین، این قالب طرفداران فراوانی داشت و بیشتر شاعران نوپرداز از جمله خود «نیما و اخوان ثالث» اشعار خود را با مضامین مختلف اجتماعی و سیاسی و غنایی و ... در این قالب می‌سرودند. با توجه به نوآوری‌های متعدّد در ساخت شعر و قالب‌های آن، برخی شاعران انقلاب تسامح در سنت را پیشه کردند که از جمله آن می‌توان به عدم رعایت نوشتار در قافیه و بسنده کردن به آوا و تجربه کردن اوزان غیرمعمول اشاره کرد.

بازگشت به عشق آسمانی و عارفانه

در عصر پیش از انقلاب سرودن شعر گناه‌آلود و غزل-هایی با محتوای عشق مجازی، به‌صورتی فراگیر بود و حتی گاهی به حوزه مقدّس‌ترین ارزش‌های دینی حمله می‌شود. برای نمونه شفیعی کدکنی در ادوار شعر فارسی در بررسی یکی از دوره‌های شعر فارسی (پس از کودتای ۲۸ مرداد) می‌نویسد: «طبعاً از درون‌مایه-های دیگری که بقایای دوره قبلی است و در این دوره شکل عصبیانی‌تری به خودش می‌گیرد، یکی هم ستیز و درگیری است که شعرا با اخلاقیات حاکم بر جامعه دارند. به‌علاوه نوعی کفر گفتن و نوعی تجاهر به فسق در شعر، آشکارا وجود داشت.

خدایا تو بوسیده‌ای هیچ‌گاه

لب سرخ نام زنی مست را

به هر حال، این حالت ستیز با اخلاقیات در بطن

جامعه چیزی بود که در آن دوره به چشم می‌خورد

ارزش‌های والای انسانی را پذیرفته و در پی تحقق ارزش‌های اجتماعی است. در این عشق، شاعر از خویشتن خود فراتر رفته و دیگر نه در پی یک معشوق زمینی بلکه در جست‌وجو و انتظار موعودی است که او مانند دیگران نیست و این انتظار جزو فطرت بشر است.

گشتم تمام کوچه را و یک نفس هم نیست

شاید که بخشیدند دنیا را به ما امشب

فاتح ندیده دفتر اسطوره‌ام هنوز

پرچم به نام خویش بزن قلّه دار من

(بهمنی، ۱۳۷۷: ۱۰۹)

یکی از نمونه‌های عشق‌های قرن حاضر را می‌-

توانیم در کتاب *کفش‌های مکاشفه* اثر احمد عزیزی بیابیم:

عشق در اینجا شبیه هاری است

عشق اینجا مثل یک بیماری است

کشته‌اند این قوم روح یأس را

دختر دیوانه‌احساس را

هر که زیبا بود زجرش می‌دهند

هر که زشتی کرد اجرش می‌دهند

مهربانی در قفس می‌نوشد آب

عشق پَرپر می‌زند لای کتاب

(عزیزی، ۱۳۷۵: ۹۸)

از نظر درون‌مایه، یکی دیگر از خصوصیات

اصلی شعر انقلاب «غفلت‌ستیزی» است. انقلاب، خود

ریشه در غفلت‌ستیزی و مبارزه با جهل و ناآگاهی و

دعوت مردم به هوشیاری و بیداری دارد و شعر انقلاب

هم به تبع آن غفلت‌ستیز و بیدارگر است. انقلاب،

صبحی خونین بود که از پس شبی تاریک بیرون آمد

و شاعر دردمند تمام شب را در زنجیر مویه کرده

است. نمونه‌هایی از این ویژگی‌ها را در اشعار زیر می‌بینیم:

بخوان سرود شهادت به نام بیداری

که میر قافله دارد پیام بیداری

طلیعه‌دار فلق آمد از کرانه نور

کشید تیغ ظفر از نیام بیداری

(مردانی، ۱۳۶۴: ۲۱)

مبادا خویشتن را واگذاریم

امام خویش را تنها گذاریم

ز خون هر شهیدی لاله‌ای رست

مبادا روی لاله پا گذاریم

(امین‌پور، ۱۳۶۳: ۹۶)

بازگشت به خویشتن و مبارزه با طبقه روشنفکر

غرب‌زده یکی دیگر از درون‌مایه‌هاست. این ویژگی

بیشتر در قالب آزاد به چشم می‌خورد. در حقیقت،

بیانگر معارضه‌ای است که شاعران مذهبی علیه

دیگران‌دیشان آغاز کرده بودند و با سلاح خود آنان به

رویاری با ایشان می‌پرداختند. این اندیشه گاه با

صداقت و شفافیّت در شعر شاعران مسلمان پس از

انقلاب جلب نظر می‌کند. مانند دو نمونه زیر:

«... هم اکنون که نعش تو را به ناکجا می‌برند

او در کافه‌ای نشسته و «ودکا» می‌نوشد

و مرگ تو را تحلیل علمی می‌کند!

بر او ببخش خواهرم! روشنفکر است». (موسوی

گرمارودی، ۱۳۵۸: ۲)

«... روزی که روشنفکر در کوچه‌های شهر پُراشوب

دور از هیاهو عرق می‌خورد، با جان‌فشانی‌های حزب-

الله

تاریخ این ملت ورق می‌خورد». (حسینی، ۱۳۶۴: ۵۰)

نمونه‌های فراوانی از اشعار غنایی - حماسی دیده می‌شود که گاه صِبْغَةُ عرفانی به خود گرفته است. مانند این نمونه‌ها:

من واژگون، من واژگون، من واژگون رقصیده‌ام
من بی سر و بی دست و پا در بحر خون رقصیده‌ام
(مردانی، ۱۳۶۴: ۹)

در خم خورشید دل، جوش، جوشی دیگر است
می فروش عشق، این جا می فروشی دیگر است
(همان: ۴۲)

«انقلاب به‌عنوان یک پدیده سیاسی بسیار مهم، پیوند خاصی با مسائل سیاسی دارد. تأثیر انقلاب بر شعر که منجر به ادبیات انقلابی و تا حدودی انقلاب ادبی شده بر هیچ‌کس پوشیده نیست و پس از آن هشت‌سال قصه خونین جنگ و مقاومت، مدت زمان زیادی بود تا شعر مقاومت در ادبیات انقلاب شکل گیرد». (اکبری، ۱۳۸۷: ۷۷) انقلاب اسلامی یک انقلاب دینی است و طبعاً در شعر انقلاب، وجود اشعاری که جنبه دینی و مذهبی دارند، طبیعی است. استفاده گسترده از آیات، احادیث و تلمیحات مذهبی و سرودن سوگ‌نامه برای ائمه و اولیاء دین در شعر انقلاب به فراوانی یافت می‌شود. البته قبل از بهمن ۵۷ هم شاعران انقلابی بودند که اشعارشان رنگ دینی داشت، اما به‌طور کلی همراه با انقلاب، استفاده از منابع دینی بیشتر شد. نمونه‌ای از این اشعار:

روزی خوران سفره عشقند تا ابد
ای زندگان خاک مگویند که مرده‌اند

(حسینی، ۱۳۶۴: ۱۶)

که آیه ۱۶۹ سوره آل‌عمران را به خاطر می‌آورد:
«و لا تحسبنَ الدِّینَ قُتِلُوا فی سبیلِ اللهِ أمواتاً...» و یا

از جمله دیگر مسائل مهم و قابل توجه در جامعه انقلابی ما، انتظار سازنده و مثبت است. چنین انتظاری می‌تواند در تمام سطوح جامعه تأثیر بر جای بگذارد و امت مسلمان را همواره در حال آمادگی آرمانی نگاه دارد. این تفکر در شعر انقلاب تجلی پیدا کرد:
آه می‌کشم تو را با تمام انتظار

پُر شکوفه کن مرا ای کرامت بهار
در رهت به انتظار، صف به صف نشسته‌اند

کاروانی از شهید، کاروانی از بهار

(قزوه، ۱۳۶۹: ۲۳)

در تاریخ هشت‌سال جنگ، لحظه‌های حماسه-آمیز، شب‌های اضطراب‌انگیز و روزهایی که گستره خیابان، امتزاجی شگفت‌انگیز از اعزام نیروهای مردمی و بازگشت پیکر پاره‌پاره شهیدان بوده، فراوان به چشم می‌خورد. یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته شعر انقلاب، مقارن شدن آن با دوران دفاع مِلّت ایران بود که در ادبیات و به‌ویژه شعر این دوران تأثیر خاصی گذاشت. شعر این دوره از لحاظ مضمون، جلوه‌های گوناگونی دارد و علاوه بر ترسیم صحنه‌های نبرد، مسائل پشت جبهه، یاد شهیدان و شرمساری از آنان، دعوت به مردم به پایداری و استقامت، عشق به وطن، احساسات ناب جوانان و عواطف آنها و ... در آن جلب نظر می‌کند. «پیوندی که میان موضوعات حماسی و غنایی و عرفانی در شعر جنگ شکل گرفته و از آغاز شکل‌گیری شعر انقلاب به‌ویژه در قالب غزل با صِبْغَةُ حماسی و البته گاه عرفانی و غنایی دیده می‌شود، قابل توجه است». (کافی، ۱۳۸۲: ۷۵) یکی از غزل‌سرایانی که در پیوند حماسه و ادبیات غنایی در شعر انقلاب نقش عمده‌ای داشته «نصرالله مردانی» است. در مجموعه شعر او با عنوان «خون‌نامه خاک»

انقلاب اسلامی به‌عنوان یک رویداد مهم اجتماعی که جنگی ناخواسته را به‌دنبال داشت، در درون‌مایه و برون‌مایه ادبیات تأثیر چشم‌گیری گذاشت و سبب شد که شعر انقلاب نموداری از روزهای پُر تپش پیروزی انقلاب اسلامی و سال‌های دفاع مقدس باشد. در شعر انقلاب، انواع قالب‌های شعری مانند غزل، مثنوی، رباعی، دوبیتی، چهارپاره، قطعه، قصیده، تکبیتی و قالب‌های نو به چشم می‌خورد. در همه قالب‌ها دخل و تصرف‌هایی صورت گرفته که آن را از شکل‌های سنتی و گذشته متمایز می‌نماید. از میان قالب‌های سنتی، غزل بیشترین کاربرد را در شعر انقلاب داشته و حجم غزل‌های سروده شده جدا از موفّق یا ناموفّق بودن آنها - نسبت به قالب‌های دیگر بیشتر است. نوآوری شاعران این دوره در غزل-سرایی، غزل این دوره را با ویژگی‌هایی همراه کرده است که قطعاً باید از آن با عنوان «غزل نو» یاد کرد. غزل، قالبی است که در این دوره مورد توجه قرار گرفت و بستری شد برای بیان زیباترین احساسات زمان خود. عشق که از مضمون‌های اصلی در ادبیات غنایی است در این زمان رویکردی نو پیدا کرده است و ارزش‌های والای انسانی را پذیرفته و در پی تحقق ارزش‌های اجتماعی است. در این عشق، شاعر از خویشتن خود فراتر رفته و دیگر نه در پی یک معشوق زمینی، بلکه در جست‌وجو و انتظار موعودی است که او مانند دیگران نیست و این انتظار جزو فطرت بشر است. پیوندی که میان موضوعات حماسی، غنایی و عرفانی در شعر جنگ شکل گرفته و از آغاز شکل‌گیری شعر انقلاب به‌ویژه در قالب غزل با صبغه حماسی و البته گاه عرفانی و غنایی دیده می‌شود، قابل توجه است.

تلمیح به حضور حضرت علی (ع) به‌عنوان مبارز بی-پُشت در میدان‌های جنگ:

هنوز جوشن بی‌پشت مرتضی با ماست

ببین به مشت یلان ذوالفقار مولا را

(نابت محمودی، ۱۳۶۴: ۴۸)

آشوب فراگیر و شورانگیز انقلاب چنان بود که قفل سکوت از زبان همه، خاصه شاعران گشود و با توجه به روح ظلم‌ستیز انقلاب که از اندیشه‌های والای حضرت امام خمینی (ره) در مبارزه با هرگونه ظلم نشأت می‌گرفت، شاعر انقلاب به این دریافت نزدیک شد که با تیغ شعر می‌توان هرگونه ستم را نشانه گرفت و بی شک یکی از جان‌مایه‌های انقلاب، عشق به وطن و عواطف و احساسات جوانان بود. از دیگر سو آغاز جنگ، حضور این مضمون را تشدید کرد. «هم‌خوانی و هم‌جواری و شاید تلفیق مذهب و عرفان، با توجه به بُنیان انقلاب که مذهب است و نیز نزدیک بودن شعر و شاعران با مفهوم گسترده عرفان، سبب شد تا شعر انقلاب با تعبیرات و اصطلاحات عرفانی گره بخورد و پیوند عمیق برقرار کند». (ادبیات انقلاب، ج ۱: ۱۸۹) واژگان و اصطلاحاتی همچون نام عرفانی مشهور، خانقاه، خلسه، اشراق، جذبه، حال و مقام و عزلت و ... همه اثبات این مدعاست.

ما را خوش است سیر ملکوتی که پیش روست

گشت و گذار در ملکوتی که پیش روست

تجربیدی از طراوت گل‌های مریم است

این سفره معطر قوتی که پیش روست

بگذار با ترنم مستانه بگذرد

این چند کوچه تا جبروتی که پیش روست

(اخلاقی، ۱۳۷۲: ۱۱)

بحث و نتیجه‌گیری

شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۸۰). *ادوار شعر فارسی*.

تهران: انتشارات سخن.

قزوه، علیرضا (۱۳۶۹). *از نخلستان تا خیابان*. تهران:

نشر همراه.

کافی، غلامرضا (۱۳۸۲). *ادبیات منظوم دفاع مقدّس*.

تهران: سوره مهر.

کاکایی، عبدالجبار (۱۳۷۶). *آواز نسل سرخ*، نگاهی به

شعر معاصر ایران. مؤسسه چاپ و نشر عروج.

مجموعه مقالات کنگره بررسی تأثیر امام خمینی و

انقلاب اسلامی بر ادبیات معاصر (ادبیات انقلاب،

انقلاب ادبیات). ج ۱، تهران: سازمان تبلیغات

اسلامی.

مردانی، نصرالله (۱۳۶۴). *خون‌نامه خاک*. تهران:

انتشارات کیهان.

موسوی گرمارودی، سیدعلی (۱۳۶۲). *خطّ خون*.

تهران: انتشارات زوار.

_____ (۱۳۵۸). *در فصل مردان سرخ*. تهران:

انتشارات راه امام.

عزیزی، احمد (۱۳۷۵). *کفش‌های مکاشفه*. تهران:

انتشارات بین‌المللی الهدی.

بهمنی، محمدعلی (۱۳۷۷). *گاهی دلم برای خودم*

تنگ می‌شود. تهران: انتشارات دارینوش.

منابع

قرآن کریم، ترجمه الهی قمشه‌ای.

ابتهاج، هوشنگ (۱۳۷۱). *سیاه مشق*. تهران: نشر زنده

رود.

اخلاقی، زکریا (۱۳۷۲). *تبسم‌های شرقی*. قم:

انتشارات محراب اندیشه.

اکبری، منوچهر (۱۳۸۷). «شعر انقلاب اسلامی در یک

نگاه». *کتاب ماه ادبیات*، شماره ۱۲۹، صص ۸۲-

۷۵.

_____ (۱۳۷۷). *نقد و تحلیل شعر دفاع مقدّس*.

تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

امین‌پور، قیصر (۱۳۶۳). *در کوچه آفتاب*. تهران:

انتشارات حوزه هنری.

ثابت محمودی، سیدحسن (سهیل) (۱۳۶۴). *دریا در*

غدیر. تهران: انتشارات حوزه هنری.

حسینی، سیدحسن (۱۳۶۴). *هم‌صدا با حلق اسماعیل*.

تهران: انتشارات حوزه هنری.

سنگری، محمدرضا (۱۳۸۰). *نقد و بررسی ادبیات*

منظوم دفاع مقدّس. تهران: پالیزان.

